ZENDEGI-SALAM
روزنامه خراسان رضوی
یک شنبه • ۱۷ آبان ۱۴۰۵
۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸
۸ نوامبر ۲۰۲۶
شماره ۶۲۱۶

معماری امید با خرده‌کُنش شهروندی

حامد بیدی، مدیرعامل پلتفرم «کارزار»، در گفت‌وگو با ما از شکل‌گیری این بستر برای ثبت مطالبات مردمی، چالش‌های گسترش، تجربه‌های جهانی و مسیر دشوار تا تبدیل شدن به بزرگ‌ترین تریبون پژواک صدای شهروندان گفت



صابری / ملک زاده- در روزگاری که فضای مجازی گاه به میدان انباشت شایعات و صداهای مخدوش تبدیل می‌شود، ظهور ابزارهای نظام‌مند مدنی نقطه عطف بزرگی برای جامعه است. «کارزار» نامی است که امروز کم‌وبیش به گوش هر کاربر ایرانی آشناست؛ سامانه‌ای برای جمع‌آوری امضا و مطالبات جمعی که تلاش می‌کند فاصله میان خواسته یک شهروند مطالبه‌گر تا میز مسئولان و تصمیم‌گیرندگان را کوتاه کند. اما این پلتفرم از کجا آمده و پشت صحنه این ابتکار مدنی، چه کسانی با چه پس‌زمینه‌های فکری و اجرایی ایستاده‌اند؟ برای فهم این مسیر، باید به سال‌های دورتر برگشت؛ به روزهایی که ایده اولیه شکل‌گیری سامانه‌ای برای دادخواست‌های دیجیتال نه در یک شتاب‌دهنده پرزرق‌وبرق مجهز، بلکه از لابه‌لای دغدغه‌های فرهنگی و هنری و فنی چند جوان شکل گرفت و مسیرش تا تبدیل به چیزی که امروز هست هم اصلا هموار نبود.

تولد یک ایده از لابه‌لای نامه‌های سرگشاده سنتی

این فعال حوزه فناوری درباره شکل‌گیری «کارزار» یادآور شد که ایده اولیه پلتفرم کارزار ریشه در نیازی عمیق و تاریخی برای سازماندهی مطالبات عمومی داشت؛ نیازی که پیشتر در قالب نامه‌های سرگشاده و طومارهای کاغذی سنتی با هزاران دردسر توزیع و جمع‌آوری می‌شد. بیدی می‌گوید: «نسخه اولیه و ابتدایی این سامانه کار خود را در سال ۱۳۹۶ آغاز کرد. در آن دوران، زیرساخت‌ها، دانش عمومی جامعه نسبت به ابزارهای مدنی آنلاین و همچنین نگاه نهادهای نظارتی به فضای این‌چنین وب‌سایت‌هایی کاملاً متفاوت با امروز بود. با این حال، هسته اولیه شکل‌گیری این ایده با حضور سه نفر یعنی «امیرحسین ناطقی»، «حسین رمضان‌زاده» و بنده پی‌ریزی شد؛ تیمی که هر کدام با دغدغه‌های گوناگون، نقطه اشتراک بزرگی به نام ایجاد یک بستر امن برای صدای اعتراض و مطالبات مدنی داشتند. ابتدا کار یک مسئولیت اجتماعی بود و به مرور رشد کرد؛ هرچند با چالش‌های زیادی هم مواجه بود».

مسیر جالب از پژوهش هنر تا دنیای کدنویسی

بیدی که متولد سال ۱۳۶۳ است و پیش از ورود جدی به عرصه مدیریت استارتاپی، مسیر تحصیلی متفاوتی را تجربه کرده، تحصیلات کارشناسی خود را در رشته ادبیات انگلیسی در دانشگاه سبزوار به پایان برده و سپس برای ادامه تحصیل در مقاطع ارشد و دکتری، رشته «پژوهش هنر» را انتخاب کرده است؛ اما علاقه‌اش به دنیای وب و فناوری اطلاعات از سال‌های دانشجویی (حدود سال‌های ۸۲ و ۸۳) با کار در حوزه طراحی وب، گرافیک و برنامه‌نویسی آغاز شد و این مهارت فنی، در کنار نگاه انسانی و هنری‌اش، به او کمک کرد تا نگاه متفاوتی به مسائل استارتاپی داشته باشد.



وقتی صحبت از دادخواست و مطالبه‌گری می‌شود، ناگزیر باید پرسید بستر شکل‌گیری این دغدغه‌ها در کجا آسیب دیده است. به‌طور مثال حامد بیدی درباره افول تشکل‌های دانشجویی می‌گوید: «قبلاً فضای مطالبه‌گری و کنشگری بین دانشجویان جدی بود؛ یک درصدی از مسیر تشکل‌ها در نشریات، سمینارها و همایش‌ها فعال بودند، اما امروز با «توده معترض خشمگینی» روبه‌رو هستیم که ساختار و سازمان مشخصی ندارد و دانشگاه دیگر کانالی برای گفت‌وگو با آن پیدا نمی‌کند».

در دسرها و نگرانی‌های کنشگری آنلاین

یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین پرسش‌هایی که همواره متوجه پلتفرم‌هایی مثل کارزار است، کنشگری سطحی و کاذب است؛ منتقدان می‌گویند آیا با یک کلیک و امضای اینترنتی بی‌دردسر، حس رضایت کاذبی به کاربر دست نمی‌دهد که کار تمام شده است و در نتیجه، انگیزه برای پیگیری بیشتر از بین برود؟ حامد بیدی در پاسخ به این پرسش کلیدی می‌گوید: «این نقد در سطح جهانی هم مطرح است و عده‌ای از آن به عنوان «کنشگری زیر پتو و جلوی کولر» یاد می‌کنند؛ یعنی شهروند تصور کند با امضای یک پتیشن (کارزار) وظیفه مدنی‌اش را انجام داده؛ اما در ایران دسترسی به شبکه‌های اجتماعی جهانی نظیر اینستاگرام، توئیتر و تلگرام مسدود است؛ در چنین شرایطی امضا کردن یک کارزار در بستر وب، اصلاً کار بی‌هزینه‌ای نیست.»

سایه احتیاط بر سر امضای کارزارها

بیدی در این زمینه با ذکر یک مثال ملموس یادآور شد: «گاهی یک معلم بازنشسته با دفتر کارزار تماس می‌گیرد و دغدغه‌مندانه می‌پرسد آیا امضا کردن کارزار مربوط به افزایش حقوق بازنشستگان ممکن است برای او دردسرساز شود یا نامش به عنوان عنصر مسئله‌دار در واحد کار گزینی اداره ثبت شود؟ این ترس و احتیاط، نشان‌دهنده هزینه‌بر بودن کنشگری است. با این حال، آمارها چه می‌گویند؟ تاکنون از بیش از ۷۱ میلیون امضا روی این پلتفرم میزبانی شده است، در حالی که تعداد مواردی که امضاکنندگان به خاطر امضای یک کارزار با چالش‌های امنیتی یا اداری جدی مواجه شده‌اند، بسیار ناچیز و در حد انگشت‌شمار بوده است؛ آماری که نشان می‌دهد پلتفرم تلاش کرده خطوط قرمز را با هوشمندی مدیریت کند، هرچند احتمال خطر صفر نیست.»



پرونده جنجالی میانکاله و قدرت داده‌ها

یکی از نقاط عطف در تاریخ کنشگری مدنی ایران که نام کارزار را به عنوان یک بازیگر جدی بر سر زبان‌ها انداخت، پرونده پتروشیمی میانکاله بود؛ پروژه‌ای که با وجود موانع فراوان، در نهایت زیر فشار افکار عمومی متوقف شد. حامد بیدی درباره پشت‌پرده این نبرد حقوقی و رسانه‌ای توضیح داد: «کارزار طی دو تا سه سال، سه الی چهار نوبت میزبان کارزارهای متعددی در مخالفت با ساخت این مجتمع پتروشیمی بود تا در نهایت هیئت وزیران مجبور شد مصوبه لغو آن را صادر کند و کار پتروشیمی که بدون اخذ مجوزهای قانونی محیط‌زیستی احداث شده بود، متوقف شود. این اتفاق دستاورد انباشت کارزارهای مردمی در این پلتفرم بود؛ حتی امروز کارزار با در اختیار داشتن چند ده میلیون رکورد، به یک مرجع بی‌بدیل آماری برای شناخت مطالبات واقعی جامعه تبدیل شده است».

رد قاطع تعامل تجاری با وزارتخانه‌ها

یکی از چالش‌برانگیزترین بخش‌های مدیریت چنین استارتاپی، نحوه تعامل با نهادهای دولتی و حاکمیتی است. وسوسه دریافت بودجه‌های پژوهشی یا ارائه خدمات مشاوره‌ای به وزارتخانه‌ها همواره وجود دارد، اما موضع کارزار در این زمینه کاملاً شفاف و بدون ابهام بوده است. مدیرعامل کارزار تصریح کرد که آن‌ها هیچ گونه سازوکار مالی در قالب ارتباط تجاری با دولت ندارند. بیدی یادآور شد که برخی وزارتخانه‌ها حتی پیشنهاد داده بودند خودشان با بودجه دولتی در کارزار پتیشن راه بیندازند، اما پاسخ تیم ما این بود که: «مردم مطالبه دیگری از شما دارند و ما نمی‌توانیم به مردم دیکته کنیم چه کارزاری راه بیندازند.» او افزود که حتی پیشنهادهای وسوسه‌کننده‌ای برای ارائه بسته‌های سیاستی و تحلیل داده در ازای دریافت پول به آن‌ها ارائه شد، اما آن‌ها همه را رد کردند؛ چرا که به قول بیدی: «اگر ما از وزارتخانه‌ای پول بگیریم، فردا روزی چگونه می‌توانیم اجازه دهیم کارزاری در نقد عملکرد همان وزارتخانه روی پلتفرم منتشر شود؟»

کارزار چگونه امضاکنندگان را تنها نمی‌گذارد؟

پلتفرم کارزار برای پاسخ عملی به انتقاد «رهاشدگی پس از امضا»، ساختار ویژه‌ای برای پیگیری مطالبات طراحی کرده است. بیدی تاکید کرد که سیاست راهبردی تیم آن‌ها این است که: «نه امضاکننده را و نه نویسنده کارزار را در نیمه راه رها نمی‌کنیم و فرایند کارزار با جمع‌آوری امضا تمام نمی‌شود، بلکه تازه نقطه آغاز مسیر است. ارسال نوتیفیکیشن‌های مستمر به امضاکنندگان درباره سرنوشت مطالبه‌شان (مثلاً بازتاب رسانه‌ای یک کارزار در روزنامه‌های کثیرالانتشار)، ایجاد بخش مجزای «پیگیری» در صفحات که شامل نامه‌های صادرشده، نشست‌های تخصصی با مسئولان و گزارش‌های مکتوب است، و حتی برگزاری نشست‌های رودررو در «کافه رویداد کارزار» با حضور کنشگران و خبرنگاران، از جمله ابزارهایی است که این پلتفرم برای تبدیل امضاهای دیجیتال به یک جریان زنده اجتماعی به کار گرفته است».

و اما صدایی برای بی‌صداها

یکی از نگرانی‌ها این است که پلتفرمی مثل کارزار تبدیل به صدایی برای طبقه متوسط شهری و افرادی شود که با سازوکار چنین پلتفرمی آشنا هستند و افرادی که در شهرهای کوچک و روستاها زندگی می‌کنند نتوانند مطالبات‌شان را پیگیری کنند.

حامد بیدی درباره راه‌حلی که کارزار برای این موضوع دارد، می‌گوید: «از همان ابتدا تصمیم گرفتیم به هیچ وجه شبیه یک پلتفرم رأی‌گیری یا انتخابات نباشیم که در آن صرفاً اکثریت تعیین کننده باشد، چرا که اقلیت‌ها و جوامع کوچک‌تر هم حق دارند شنیده شوند. در همین راستا برای کارزارهای روستایی یک سیاست تبعیض مثبت و لایه جداگانه در نظر گرفتیم؛ چرا که یک روستای دورافتاده با ۲۰۰ یا ۳۰۰ امضا، در میان کارزارهای کلان چندصدهزار امضایی کاملاً گم می‌شد. جالب است بدانید تاکنون بیش از ۱۲۰۰ کارزار روستایی در این بستر ثبت شده و جالب‌تر این که درصد موفقیت و به نتیجه رسیدن این کارزارهای محلی، حتی از بسیاری از حوزه‌های دیگر هم بالاتر بوده است».

معجزه کارزارهای روستایی

روایت موفقیت‌های کارزارهای روستایی گواهی بر این است که این ابزار دیجیتال چطور توانسته مرزهای جغرافیایی را درنوردد و گرهی از مشکلات عینی مردم باز کند. بیدی با ذکر مثال‌های عینی از این موفقیت‌ها یادآور شد که عمده مطالبات روستایی در سه حوزه کلیدی یعنی «اینترنت»، «محیط‌زیست و آب» و «راه‌های مواصلاتی» متمرکز بوده است. او با اشاره به تعامل سازنده مسئول وقت اینترنت روستایی وزارت ارتباطات وقت تصریح کرد: «مسئولان وزارتخانه صراحتاً اعتراف کرده بودند که از روی همین کارزارها متوجه می‌شدند کدام مناطق و روستاها واقعاً در نقطه کور اینترنتی قرار دارند؛ تا جایی که آمار موفقیت کارزارهای درخواست اینترنت روستایی به رقمی خیره‌کننده بین ۸۰ تا ۹۰ درصد رسید. حتی در مواردی، کارزارهای محلی مربوط به اعتراض به فعالیت کارخانه‌های سیمان در مجاورت روستاها، توانست فراتر از یک مسئله محلی عمل کند و به یک مطالبه ملی و زیست‌محیطی تبدیل شود».

کابوس «خودسانسوری»

نگرانی‌های بیرونی نسبت به این پلتفرم تنها محدود به مدیران پلتفرم نبود؛ گاه ترکش این فشارها به نویسندگان و طراحان کارزارهای مختلف اصابت می‌کرد و این مسئله چالش‌هایی را برای تیم اداره‌کننده به همراه داشت. مدیرعامل کارزار در این گفت‌وگو یادآور شد که نگرانی‌های بیرونی باعث شد برای بقای این پلتفرم، حوزه‌های خاصی از مطالبات به کلی کنار گذاشته شود. اما یکی از پرسش‌های همیشگی درباره کارزار این است که این پلتفرم چگونه میان طیف‌های مختلف سیاسی توازن برقرار می‌کند و اجازه نمی‌دهد به طرفداری از جناح خاصی متهم شود. به‌خصوص این که گستره مطالبات میزبانی‌شده در این سامانه گاهی هر دو سمت جریان‌های سیاسی را در بر می‌گیرد: «ما در شبکه‌های اجتماعی کارزار مثل تلگرام، اینستاگرام و توئیتر و همچنین در مجله کارزار، خط مشی کاملاً مستقل و بی‌طرفانه‌ای را دنبال می‌کنیم. به‌طور مثال وقتی کارزاری با موضوع درخواست محاکمه یک چهره سیاسی برجسته روی خروجی قرار می‌گیرد پلتفرم در شبکه‌های اجتماعی‌اش معمولاً کارزارهای فردمحور را بازتاب نمی‌دهد، اما در مورد درخواست محاکمه حسن روحانی به دلیل ابعاد کلان و اهمیت بی‌سابقه آن که توانست در مدت یک هفته بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار امضا جذب کند، موضوع را به عنوان یک رویداد مهم بازتاب دادیم. اما در همه این موارد تلاش می‌کنیم ستون فقرات بی‌طرفی خود را حفظ کنیم.»



وقتی فیلترینگ به خودزنی بدل می‌شود

ادامه این گفت‌وگو به تحلیل کلان وضعیت فضای مجازی و حکمرانی فضای مجازی در کشور اختصاص داشت؛ جایی که بیدی با زبانی صریح و منتقدانه، ریشه‌های نگاه فعلی به فناوری را کالبدشکافی می‌کند. این فعال استارتاپی خاطرنشان کرد: «سیاست‌گذاران و نهادهایی چون شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی و کارگروه‌های تعیین مصادیق، همواره رویکردی تهدیدانگارانه به اینترنت داشته و به دنبال بهانه‌ای برای قطع و محدودسازی آن بوده‌اند. حتی مسدود شدن پلتفرم‌های داخلی در حوزه پادکست و سخت‌گیری نسبت به خود کارزار نشان می‌دهد در پشت صحنه این تصمیمات، ذی‌نفعانی حضور دارند. البته بهترین و کارآمدترین راه برای نابودی کامل یک کشور این است که اینترنت آن را قطع کنید»

امید در سنگر مطالبات مدنی

اما در انتها از آینده کنشگری خرد شهروندی پرسیدیم. بیدی معتقد است: «عقب‌نشینی از ابزارهای مدنی راه‌حل جامعه امروز نیست. هدف از پلتفرمی مثل کارزار هم همواره تقویت جامعه در برابر ناکارآمدی‌هاست. رسالت ما این است که قدرت چانه‌زنی یک شهروند را در برابر ساختار قدرت ارتقا دهیم. یادمان باشد حتی اگر ابزارهایی مانند کارزار در کوتاه‌مدت به همه اهداف سیاسی کلان نرسند، ارزش ماندگارشان در تمرین «همگرایی مسئله‌محور» نهفته است. امروز وقتی مشکلی مثل بحران آب پیش می‌آید، مردم باید یاد بگیرند دعواهای اصولگرایی و اصلاح‌طلبی را کنار بگذارند و حول منافع ملی دست به کنش مشترک بزنند؛ صدای مطالبه‌گری مدنی شاید دچار فراز و فرود شود، اما هرگز خاموش‌شدنی نیست.»